



گاهنامه فرهنگی-اجتماعی-اقتصادی چلچراغ
دانشگاه علوم پزشکی ابن سینا (همدان)

شماره هفتم
خرداد ماه
۱۳۹۸
صاحب امتیاز: احمد رضا سیفی
مدیر مسئول: احمد رضا سیفی
سردبیر: حسین کوثری نژاد
نویسندگان:
علیرضا مصلحی / حسین کوثری نژاد
احمد رضا سیفی / راضیه ثالثی

چلچراغ

خواب مجازی

صفحه ۳



منطقه محروم در همسایگی ما!

بررسی مسائل مربوط به مناطق
حاشیه شهر ها و راهکار های کمک
به رفع مشکلات آنها

صفحه ۲

معرفی کتاب: خاطرات سفیر

نیلوفر شادمهری در این کتاب، حدود
سی خاطره را به رشته ی تحریر
درآورده که این مجموعه در واقع بخش
اندکی از تمام خاطرات ایشان است
خاطرات منتشر شده در این کتاب...

صفحه ۴

انقلاب ژاکت های دکمه دار

موج حجاب خواهی در غرب واقعیتی
غیر قابل انکار است که تصویب قانون
منع حجاب در کشور به اصطلاح مهر
دموکراسی، یعنی فرانسه تنها یکی از
اقدامات بازدارنده نظام سرمایه داری به
این حرکت به شدت رو به رشد در
غرب است...

صفحه ۴

سر مقاله

باز هم پایان ترم رسید و همه سرگرم امتحانات شدیم! باز هم بعد از امتحانات تابستانی گرم پیش روی ماست که در فضای دور از درس و برنامه ریزی های فشرده روزگار بگذرانیم... اما این تابستان چطور خواهد بود؟

شاید من و تو از آن دسته جوان هایی باشیم که تابستان بی نظم و بی برنامه ای را پیش رو خواهند داشت، ساعات زیادی که در فضای مجازی و گوشی های هوشمند سپری می شود و مفید ترین ساعات عمر را هدر می دهد. در این صورت بیا تا یاد بگیریم چطور در مقابل این فضای مجازی رفتار کنیم! بیا به این فکر کنیم که چه چیزی مفید است و چه چیزی فقط وقتمان را هدر می دهد! تا هم از زندگی عقب نمانیم هم از فضای مجازی استفاده کنیم.

شاید هم من و تو از آن دسته دانشجویانی باشیم که برنامه و کار خاصی برای روزهای پیش روی خود در نظر گرفته اند! مثل طرح تحقیقاتی فردی یا گروهی که با مشورت اساتید پیش می برند، یا برنامه هایی که برخی دوستانمان برای کسب درآمد و پس انداز کردن در تابستان پیش می گیرند. این روز ها عده ای از دوستان ما درگیر رسیدگی به هموطنانی هستند که به علت شرایط منطقه زندگی شان یا به علت درآمد پایین، دسترسی پایینی به امکانات دارند. این روز ها، شوق رسیدگی به محرومین در قلب های دوستانمان موج می زند و مشغول کار و برنامه ریزی برای یک تابستان پربار و مفید برای کشور و هموطنان خود هستند.

من و تو هم می توانیم بخشی از وقت و انرژی خودمان را برای رسیدگی به هموطنان اختصاص دهیم تا هم لذت این کار خداپسندانه را درک کنیم هم باری از دوش هم برداریم.

در این شماره از چلچراغ به این موضوعات مهم اشاره هایی کردیم. کتاب های کم حجم و مختصر و مفیدی هم معرفی شده است که پیشنهاد می کنیم اگر تا کنون آنها را مطالعه نکردید در زمان های خالی با مطالعه این کتاب ها سطح دانش و اطلاعات خویش را بالا ببرید.

حسین کوثری نژاد / سردبیر نشریه چلچراغ

منطقه محروم در همسایگی ما

حاشیه شهر ها نیاز به بررسی و حل مشکل بنیادین دارند

همراه با گسترش سریع شهرنشینی و همچنین افزایش مهاجرت روستاییان و مردم نواحی کم برخوردار به شهرها و نواحی برخوردار از امکانات و خدمات رفاهی، شهرها و به ویژه کلان شهرها با رشد بی رویه جمعیت و تورم انسانی مواجه شدند. اغلب این مهاجران به دلایلی چون سطح پایین سواد و مهارت و گرانی زمین و مسکن، نتوانستند جذب بدنه شهر شوند و در حاشیه شهرها -اغلب به صورت غیر رسمی - اسکان یافتند. شهر دارای یک آستانه جمعیتی ست و هدف آن برآوردن نیازهای آن جمعیت است. رشد جمعیت در کشورهای توسعه یافته، نظم یافته و کنترل شده است، اما به علت وجود مهاجرت های بی رویه، این امر در کشورهای در حال توسعه چندان سازماندهی نشده است. برای حاشیه نشین تعاریف متعددی آمده که ما در اینجا به ذکر دو تعریف بسنده می کنیم

کسی ست که در محدوده شهری ساکن است، اما جذب نظام اقتصادی-اجتماعی شهر نشده و به عنوان یک شهروند مشروع در جامعه شهری نیز پذیرفته نگردیده است بلکه موقتا و به صورت وابسته از بازار کار و تاسیسات شهری استفاده می کند

خانواده های تهیدست غالبا مهاجر که به تعبیر اسکار لوئیس، آنان در نوعی فرهنگ فقر زندگی می کنند، به طور کامل جذب شیوه جدید زندگی شهری نشده و در حاشیه آن به زندگی ادامه می دهند

تفاوت میان تعاریف ذکرشده، ناشی ازنگرش های متفاوت به این پدیده است؛ کما اینکه تعاریف فوق الذکر به ترتیب تحت تأثیر دیدگاههای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و کالبدی قرارداشته است

چارلز آبرامز حاشیه نشینی را به عنوان فرایند تصرف نواحی شهری به قصد تهیه مسکن دانسته است. و نیز حاشیه نشینی را در معنای عام شامل تمام کسانی می داند که در محدوده اقتصادی شهر ساکن هستند ولی جذب اقتصاد شهری نشده اند. جاذبه شهرنشینی و رفاه شهری این افراد را از زادگاه خویش کنده و به سوی قطب های صنعتی و بازارهای کار می کشاند و اکثر آنها مهاجرین روستایی هستند که به منظور گذراندن بهتر زندگی راهی شهرها می شوند

حاشیه نشینی دو وجه بیرونی و درونی دارد. معمولاً وجه بیرونی و ظاهر آن مورد توجه عموم مردم و مبنای قضاوت درباره این پدیده است. افراد در این وضعیت در مناطقی اقامت می کنند که با جامعه میزبان ارتباط کمی دارند و بین محل سکونت آنها و منطقه اصلی شهر نوعی جدایی وجود دارد. این امر ممکن است به دلیل وضعیت نامطلوب اقتصادی و عدم توانایی مالی خانواده ها باشد که به علت هزینه های بالای زندگی قادر به زندگی در مناطق اصلی شهر نیستند. علت دیگر آن وجود موانع جذب در جامعه میزبان است. از آنجا که بسیاری از مناطق سنتی به آسانی نمی توانند وجود این مهاجرین را بپذیرند، لذا آنان به مناطقی روی می آورند که امکان کنترل های اجتماعی و هنجاری کمتری در آنجا وجود دارد. این مناطق بیشتر در حاشیه شهرهای بزرگ قرار دارند

اما وجه درونی حاشیه نشینی با نظام فرهنگی اجتماعی و نیز موقعیت روانی افراد مرتبط است. بر این اساس وضعیت حاشیه نشینی آن گونه که رابرت پارک

بیان می دارد، شرایط یا عالمی است برزخ گونه که فرد را از نظر اجتماعی و فرهنگی به حالت تعلیق در می آید. فرد خود را در شرایطی می یابد که در آن، روابط اجتماعی و ارزشهای فرهنگی و ملی تا حدودی دستخوش تزلزل شده، ولی روابط و ارزشهای دیگری هنوز به طور کامل جایگزین آنها نشده است. به اعتقاد وی تجربه چنین شرایط بحرانی موجب شخصیت متمایزی برای فرد می شود. در اغلب موارد چنین فردی در برابر برخورد فرهنگها، حالت کناره گیری از خود نشان می دهد و نمی تواند در متن جامعه با عقیده راسخ به فعالیت خویش ادامه دهد. به عبارت دیگر، به علت ناباوری نسبت به ارزشها، بیگانگی با موقعیت جدید، فرد از جامعه کناره می گیرد

قدمت حاشیه نشینی به شهرهای باستانی می رسد، چنانکه در شهر موهنجودارو وجود زاغه نشینی به اثبات رسیده است. در دوره های روم باستان و دوره ساسانیان، گتوهای نژادی و مذهبی و به ویژه اسیران، در محل های ویژه ای در شهرها جای می گرفتند و از مناطق عمده زاغه نشین به شمار می آمدند. از حدود سالهای ۱۲۸۰ میلادی در کشورهای اسلامی نیز گتوهای مذهبی وجود داشته است. در مورد گتوهای نژادی می توان گفت که در طول تاریخ بزرگترین گتوهای نژادی در شهر های آمریکا ایجاد شده که بزرگترین آنها محله هارلم» سیاهان در نیویورک است. علاوه بر این از گتوهای پرتوریکویی، ژاپنی، چینی و مکزیکی در این کشور میتوان نام برد

در آخرین گزارش سازمان تجارت جهانی آمده است که تا سال ۲۰۳۰ میلای بیش از نیمی از مردم جهان در حاشیه شهرها زندگی خواهند کرد. افزایش حاشیه نشینی در کشورهای ثروتمند با رشد کمتر و در کشورهای فقیر مثل هند، پاکستان، برزیل و ونزوئلا با رشد ۷۰ میلیون حاشیه نشین در سال همراه است

با توجه به پیش بینی صحیح سازمان ملل در مورد رشد پدیده حاشیه نشینی در دهه آغازین قرن بیستم، ضروری است تا تدوین برنامه جدی مبارزه با این پدیده ناپسند اجتماعی در اولویت سیاست گذاری ایران نیز قرار گیرد

پدیده حاشیه نشینی نه تنها در جهان در حال گسترش است بلکه ایران نیز با چالش ۱۸ میلیون حاشیه نشین مواجه است. با در نظر گرفتن این که حدود ۵۵ میلیون نفر از جمعیت ایران شهرنشین هستند، بنابراین با یک محاسبه ساده مشخص می شود که تقریباً یک سوم شهروندان ایرانی حاشیه نشین هستند و این معضل که امروزه دامنگیر شهرهای کلان کشورمان شده است، وقتی به وجود می آید که مردم مناطق مستضعف نشین به راحتی نتوانند نیازهای اقتصادی و معیشتی خود را برطرف کنند. ازین رو دست به مهاجرت می زنند و چون نمی توانند به راحتی خود را با فرهنگ شهرنشینی در کلان شهرها تطابق دهند و توان مالی اقامت در درون شهر را ندارند، بالاجبار به حاشیه رانده می شوند و حاشیه نشینی را برمی گزینند

بر اساس مطالعات انجام شده در زمینه حاشیه نشینی در مناطق مختلف حاشیه نشین شهرهای بزرگ ایران، مهمترین ویژگیهای آن عبارتند است از ازدحام بیش از حد جمعیت، ساخت و ساز نامناسب، فقر فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، بیکاری، اشتغال کاذب

عدم رعایت بهداشت جمعی، عدم دسترسی به امکانات رفاهی و آموزشی، افزایش، افزایش جرم و جنایت، فساد و ... می باشد

شهر مشهد به عنوان یکی از کلان شهرهای ایران در مرحله گذار به توسعه یافتگی قرار دارد و در این فرایند دچار تغییرات اساسی و ساختاری در بعد اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی می گردد؛ به نحوی که در اثر این تغییرات، مسائل اجتماعی متعددی زاییده می شود که پدیده «حاشیه نشینی» به عنوان یکی از پیامدهای اولیه و مهم شهرهای درحال رشد را می توان یکی از مهمترین و موثرترین مسائل اجتماعی دانست که به دنبال خود مسائل اجتماعی دیگری را به وجود می آورد

تجمع مهاجران با فرهنگهای متعدد در چنین محیط های نامناسب همراه با معضلات ناشی از فقدان اشتغال، به بزهکاری ها و ایجاد مناطق تبهکاری تبدیل میشود. مطالعات و تحقیقات جامعه شناسی شهری نشان داده است که زندگی حاشیه نشینی با افزایش جرم زایی رابطه مستقیم و نزدیک دارد. همچنین از بعد اقتصادی، افزایش مهاجرین غیر ماهر و غیر متخصص، موجب پیدایش بیکاری پنهان و توسعه غالباً غیر ضروری خدمات می شود

پیتر دیکن نیز معتقد است در مناطق مهاجر پذیر و زاغه ای به علت تحرک زیاد و وجود هویت فردی از یک طرف و تماس چهره به چهره کم و عدم تسلط بر آداب و رسوم از طرف دیگر، انحراف در آنجا زیاد می باشد

حاشیه نشینی با جرم رابطه مستقیم و نزدیک دارد. تنوع، تجمل و اختلاف فاحش و چشمگیر طبقات اجتماعی ساکن شهرهای بزرگ، گرانی و سنگینی هزینه های جاری زندگی موجب میشود تا مهاجران غیرمتخصص که درآمد آنان کفاف مخارجشان را نمی دهد، جهت برآوردن نیازهای خود دست به هر کاری، ولو غیر قانونی بزنند. در چنین مناطقی به لحاظ کم رنگ شدن ارزش های انسانی، کجروی های اجتماعی سریعاً رشد میکند و اعمالی چون دزدی، اعتیاد، قاچاق، فحشا و نظایر آن گسترش می یابد

در شرایط فعلی کشور بهترین راه مبارزه با حاشیه نشینی ایجاد اشتغال در روستاهاست. بسیاری از فعالان اقتصادی و کارشناسان اقتصاد معتقدند که مسئله گسترش فقر و افزایش مناطق فقیرنشین در حاشیه شهرهای بزرگ ایران نیز نتیجه سیاست گذاری های متمرکز توسعه شهری و عدم توجه کافی به اشتغال زایی در شهرستان ها و روستاهای کشور است. در شرایط فعلی که اقتصاد ایران تحت تاثیر شرایط مختلف آسیب دیده است، توجه کم مسئولان به مسئله اشتغال در روستاها نیز به این معضل دامن زده و متأسفانه امروز شاهد افزایش پدیده روستاهای خالی از سکنه هستیم، چرا که مردم به امید اشتغال و زندگی بهتر به شهرهای بزرگ مهاجرت می کنند

با توجه به این که اکثر جمعیت مهاجر به شهرهای بزرگ ایران مثل تهران و مشهد توانایی پرداخت هزینه های زندگی در شهر را ندارند، بنابراین آنها زندگی در محله های بسیار ارزان حاشیه شهر را ترجیح می دهند و برای کار به شهر می آیند.

خواب مجازی

گفتاری در باب رفتار در دنیای مجازی

هربار که می‌خواهیم، با نشخوار ذهنی دیده‌ها و شنیده‌ها روبرو می‌شویم و در رویاها چیزهای به ظاهر تازه‌ای درک می‌کنیم که هیچ کدام حقیقتی ندارند. در حقیقت حتی چیز جدیدی پشت خواب هایمان نیست، اما برایمان تازگی دارد. چرا که مغز خلاق و عجب انگیز بشر دریافت‌هایش را بازآرایی می‌کند و خودش را سرکار می‌گذارد! فیلم اصلی را تدوین میکند تا کلیپ‌های کاملاً متفاوتی بارگذاری کند و ما آنقدر آنها را لایک می‌کنیم که اول صبح دوست نداریم از خواب بیدار شویم!

بازگردیم به جهان نا دیدنی درون وسیله‌های همراهمان! حال که بخش زیادی از زندگی حقیقی ما به اطلاعات وسیع و سریعی وابسته است که از دل اینترنت به ما می‌رسد، هنگامی که در دنیای مجازیمان چشم باز می‌کنیم باید بدانیم آنچه می‌بینیم رویاهای فریبده‌ای است که این بیکرانه غیر قابل پیش‌بینی برای ربودن چشم‌هایمان ساخته یا حقیقتی است که از لا به لای سیم‌های ارتباطی خودش را به ما رسانده است؟ و از سوی دیگر، آیا دانستن یا ندانستن این موضوع مرا از خواب بیدار می‌کند؟

خیلی از چیزهای تازه‌ای درک می‌کنیم که با تمام تازگی که دارند، ما را از خواب بیدار نمی‌کنند! و با دانستن آنها نمیتوانیم به حقیقتی برسیم که باعث بزرگتر شدن ما بشود. آری، مشغول بازی شده ایم...

آدمیزاد از وقتی که چشم و گوشش باز می‌شود، به دنیا می‌آید و زمانی که حواسش از این دنیا خارج می‌شود، از دنیا می‌رود. دانستن و فهمیدن آنچه در دنیای اطراف است، قدرت گرابنهایی بنی بشر است تا در جهان پیچیده دوام بیاورد، رشد کند و زنده باشد.

حتی اگر او برای خودش یک جهان دیگر بسازد، یک جهان جدید درون جهانی که دست‌مهربان خلقت به او بخشیده است! اگر آفریده مجهول و پر ادعا در وسعت محدود خود دست به آفرینش دنیای دیگری بزند که خود در آن غرق شود و در حیرانی آن بماند، در آنجا نیز بودن یا نبودن او به باز بودن چشم و گوشش بستگی دارد.

آری، ما نباید در هیچ کدام از این دو جهان مرگ را برای خویش انتخاب کنیم. هم جهان حقیقی مان با اعتیاد و وابستگی به جذابیت‌های جهان مجازی در معرض خطر است هم برای دانستن و آگاهانه زیستن در همین دنیای حقیقت به ابزارهای مجازی نیاز داریم تا از درک واقعیات عقب‌نمانیم.

حال که برای درک مرز میان جهان‌هایمان دو اصطلاح «مجازی» و «حقیقی» را انتخاب کرده‌ایم، باید بدانیم این دو بعد از زندگی که برای خویش ساخته‌ایم در چه جهاتی با هم شبیه‌اند! ما واقعا

با دو دنیا طرفیم، در دو دنیا به دنیا می‌آییم و می‌میریم، بیدار می‌شویم و می‌خوابیم، کار می‌کنیم یا سرگرم بازی می‌شویم...

حرف از خواب و بیداری شد! می‌دانید؟ خواب هم نوعی مرگ است. چون چشم انسان بسته می‌شود و از تغییرات اطرافش چیزی نمی‌فهمد. خواب ضررهای زیادی به ما می‌زند! یک سوم از ساعات شبانه روز ما را درگیر مرگ می‌کند و اگر این خواب در لحظات حساس باشد، قدرت اراده و واکنش به تحولات را از ما خواهد گرفت.

اگر بپذیریم که دنیای مجازی جزئی جدایی‌ناپذیر از زندگی حقیقی مان هستند، باید بسیار مراقب باشیم که غرق شدن در فضای مجازی خواب مصنوعی در جهان حقیقی به ما القا نکند و از حقیقت‌امورمان غافلمان ننماید. از سوی دیگر، جدا بودن از فضای مجازی برای ساعاتی حس ناخوشایندی از عقب ماندگی در اوج سرعت گسترش اطلاعات ایجاد می‌کند که این موضوع نیز گاهی آزار دهنده است.

اگر زیست مفید ما منوط به آگاهی ما از محیط اطراف است، خواب را نباید جزئی از زندگی به حساب آورد! اما ما آن را زندگی می‌کنیم!

ما نیازمند نگاه و برنامه‌ریزی جدیدی در زندگی مجازی خود هستیم. جوری که نه غرق در این دنیای بی حساب و کتاب شویم و از نعمت آزادانه زندگی کردن در جهان حقیقی محروم بمانیم و نه حیات مجازی خود را به خطر بیاندازیم. جوری که سیل غیر مفیدهای آن ما را از حقایق غافل ننماید و دروغ‌های آن ما را در خواب فرو نبرد برای بیدار ماندن در جهان مجازی باید شیوه‌ای اتخاذ کرد.

شیوه‌هایی که در راس آنها انتخاب یک منبع برای دریافت اخبار گزیده، مهم و واقعی است. چرا که مهم‌ترین نقش را در بیداری ما همین اخبار ایفا می‌کنند، پس نباید خبر را از شبکه‌های سرگرمی و غیر مرتبط طلب نمود. باید برای چشم گوش خود در دنیای مجازی حرمتی قائل بود. هرکسی حق ندارد ناقل اخبار باشد!!



معرفی کتاب

خاطرات سفیر

نیلوفر شادمهری در کتاب **خاطرات سفیر** به بیان چالش های یک بانوی مسلمان به عنوان دانشجوی ممتاز ایرانی در فرانسه می پردازد که با نگارشی صمیمی و ساده، خواننده را به خوابگاهی در پاریس میبرد و او را با رویدادها، تجربه ها و خاطراتش شریک میکند

خاطرات دختر مسلمانی که در کشور فرانسه، هر چند برای ادامه ی تحصیل در مقطع دکتری حضور دارد اما سفیری شده است برای دفاع از حقیقت اسلام. مواجهه ی او با آدم های مختلف و اتفاقات متفاوت این خاطرات را جذابتر میکند، از قبول نشدنش در بهترین دانشگاه فرانسه تنها به دلیل حجابش و دست ندادن با سرشناس ترین اساتید مرد تا برگزاری دعای عهد در اتاق خوابگاه و خواندن دعای کمیل برای «یک سلیم النفس».

نیلوفر شادمهری در این کتاب، حدود سی خاطره را به رشته ی تحریر درآورده که این مجموعه در واقع بخش اندکی از تمام خاطرات ایشان است. خاطرات منتشر شده در این کتاب، ابتدا در وبلاگی به نام «سفیر ایران» توسط نویسنده نوشته شده و سپس به مرور بر آن خاطرات افزوده شده است ایشان در این کتاب، حدود سی خاطره را به رشته ی تحریر درآورده و توضیح نیز داده اند که این مجموعه در واقع بخش اندکی از تمام خاطرات ایشان است و ابراز امیدواری کرده اند بتوانند فصل های بعدی این کتاب را نیز بنویسند



در بخشی از کتاب خاطرات سفیر میخوانید:

کم کم داشت حالم از اون شرایط به هم میخورد. بچه ها متوجه نمیشدن که من دارم سر کار میذارمشون یا واقعا متن شعر همین قدر سخیفه. خدا خدا میکردم که هر چه زودتر اثر فاخری که میشنیدیم بساطش جمع بشه. اما همیشه درست توی همین شرایط زمان کش میآد و واحد گذشت زمان از ثانیه به شبانه روز تغییر پیدا میکنه. سیلون دست به سینه وایساده بود و داشت سعی میکرد عمق نداشته شعر رو بفهمه! چند بار به سرم زد بهشون بگم: «بینید بچه ها، این اصلا در سطحی نیست که اسمش رو شعر بذارم. طرف یه چیزی خونده رفته.» اما نمیشد. آبروریزی بود. بعد از اون همه افاضات درباره شعر و ادب پارسی و مردم ادیب کشورم جای همچین حرفی نبود. دیدد، که سمت چپ مغی نشسته بود و تا اون موقع ساکت بود، گفت: «من فکر میکنم اصلا با معشوقش مؤدب حرف نمیزنه!» گفتم: «خب، البته بله، کلا شعرش «جوری گفته شده که با آدم با فرهنگی طرف نباشیم!» مغی گفت: «خب، بعدش چی میشه؟

انقلاب ژاکت های دکمه دار

از مواضع گوناگون و با بهانه هایی از جمله شعار آزادی مورد هجمه و سنگ اندازی قرار گرفته است

در فرازی از فصل اول کتاب میخوانیم: در دوره جدید لباس از وسیله ای برای پوشش فراتر رفته و به عنوان ابزاری برای آرایش تبدیل شده . هرزه پوشی از جمله دستاورد های عصر جدید به شمار می آید چرا که در گذشته اکثر جوامع شاهد حضور اجتماعی زنان با پوشش هایی که تقریبا تمام بدن را میپوشانده، بوده اند



تمدن غرب همه چیز را تقلیل میدهد. تقلیل جهان به ریاضی، تقلیل روح به روان ، تقلیل دانش به علم تجربی، تقلیل فلسفه به تحلیل زبانی ، تقلیل انسان به غرایز، تقلیل غریزه جنسی به رابطه جنسی و تقلیل زن به کالای اقتصادی

موج حجاب خواهی در غرب واقعیتی غیر قابل انکار است که تصویب قانون منع حجاب در کشور به اصطلاح مهر دموکراسی ، یعنی فرانسه تنها یکی از اقدامات بازدارنده نظام سرمایه داری به این حرکت به شدت رو به رشد در غرب است

کتاب حاضر در عین کم حجم بودن با یک چیدمان صحیح در قالب سه فصل مطالب بسیار ارزشمند و عمیق برای پاسخ به یک پرسش اساسی بیان میکند؛ چرا زنان غربی با یک رویکرد بسیار شتابدار به حجاب روی آورده اند؟ انهم در شرایطی که مقوله حجاب به دلیل تقابل اساسی به منافع نظام لیبرال سرمایه داری

خالی های پر سر و صدا

شاید دیده باشید:

استایدی که علم ناقص شان را در پس غرور فراوان پنهان می کنند مذهبی نماهایی که دین مصلحتی شان را در پس قهقهه و وشلوغی مخفی نگه میدارند

افراد با اعتماد به نفس پایین که سعی دارند با عکس های لاکچری و ظاهر متفاوت خود را اثبات کنند دوست داشتن هایی که سطحی بودنش با ابراز علاقه های دهن پر کن جبران میشود هرکجا از عمق و واقعیت، علم، شادی، اعتماد به نفس یا احساس خبری هست فریاد نیست اغراق نیست! طبل تو خالی صدای فراوان دارد رود سطحیست و پر از سر و صدا برخلاف دریای عمیق و آرام... اگر شلوغی دیدید به واقعیت ماجرا شک کنید!